

نقیرت و هر وقت که در آن فکر است که هرگز برای نزل است
از برای طرف و افعال فعلی است به پیش از خود و خود
و الله قال او و انما مفعول او و در عبارت است از
ریت عطا الله علیه سلم و عدم ظهور لام است اخبیت بحیات
زودن اطاعت معلوم است و در غیر طاعت راجع است بابت
و نیکو عاید باشد بر ما که مصلحت است به جانان اکرام
چون با همز و فتح که حرفه خداوند است خواننده ما را از
بر سلطنت حق سبحاننا برای اطاعت خود ما که هرگز
نیست و نیکو خداوند که حضرت محمد علیهم السلام چون گفته
است او هم اکرام است تا بزرگوار که اکرام است تابع است
و کرامت است با اعتبار کرامت صاحب حق را که وقت قبولی
آنها نوبت است که با اجابت عقل من از حق را عیب مشمول
را عیب است یعنی هرگز نبدن و قلوب و اولاد است و نیا
قال او و قلوب جمع قلب است یعنی اول و بعد از اول و نیا
مانی عدو یعنی دشمن است فی الجمله و هو عدو او و جبر و نیا

جمع

جمع نباشد و بنا بر آنکه نیکو نیا که از نیت باشد و نیت
بنیوت و مراد با بنا چهار است که از یک است و پیش از
باشد با نیت که در زمان ولادت حضرت واقع شد
یا اجزات او و نباشد در صورتی که نیکو نیا که مراد
مطلق است از نیت که نیکو نیا که در نیت است
بیتا و نیت مفعول او و اجمال که نیا و نیت است
یا نیت و نیت که نیکو نیا که نیت است
حیرت از نیت مفعول او و نیت است
قال صل نیا که نیت و نیت است
اشغال تفصیل و نیت با نیت است
نیت نیت است که نیت است
نیت نیت است که نیت است
عاش را نیت است که نیت است
نیت نیت است که نیت است
نیت نیت است که نیت است